

به بهانه تولد جمشید مشایخی  
پسر از آموزه‌های پدر می‌گوید

# عشق به ایران را از پدرم دارم

نرگس علشوری  
خبرنگار

ششم آذرماه جمشید مشایخی ۸۶ ساله می‌شود. بازیگری که بیش از ۵۰ سال مقابل دوربین سینما و تلویزیون بود و سال‌ها روی صحنه تئاتر رفت و در این حضور مستمر نقش‌های جاودانه کمال‌الملک، خان‌دابی در «قصر»، شازده در «شازده احتجاب»، رضا خوشنویس در «هزارستان» و... را برای سینمای ایران ثبت کرد. در دومین سال نبود او سراغ پسرش نادر مشایخی رفته‌ایم و او که سالروز تولدش یک روز با پدر فرق دارد از این روز خاص در خانواده برایمان گفته است.

■ می‌گفت حواستان به تولد نادر باشد

پدر خیلی در قید و بند آیین و مراسم برای روز تولدش نبود. مادر اما کاملاً پایبند بود و سعی می‌کرد به شیوه طرفه‌ای این روز را خاص کند. از قبل برنامه‌ریزی می‌کرد تا ششم آذر، روز خاصی برای همه‌مان باشد. تولد من یک روز قبل از سالروز تولد پدر بود و او همیشه می‌گفت حواستان به تولد نادر باشد. ضرورتی ندارد برای من تولد بگیرید. برای او انگار مسائل خودش خیلی جدی نبود یا لاقلاً مسائل آدم‌های دیگر برایش مهم‌تر بود.

■ بهترین هدیه تولد

می‌دانست علاقه‌مند به موسیقی‌ام و خبر داشت که برنامه‌ام برای آینده تمرکز روی حوزه موسیقی است. با وجود این انگار این خاطره بود که باعث شد نسبت به علاقه‌مندی من به موسیقی اطمینان پیدا کند. روی میز تحریرم تصویر شستی پیانو را به شکل سیاه و سفید کشیده بودم و روی آن تمرین می‌کردم. پدر خبر نداشت. یک روز به همراه عمه که مشوق جدی من بود به اتاقم آمد و وقتی این صحنه را دید، خندید و گفت «این‌طور نمی‌شود، دیگر وقتش شده برایت پیانو بخریم». برای تولدم پیانو خرید. بهترین هدیه عمرم بود. این هدیه باعث شد زندگی‌ام تغییر کند.

■ اخلاق را با رفتارش به ما یاد داد

هیچ وقت از خودش تعریف نمی‌کرد از بچه‌هایش هم تعریف نمی‌کرد. همیشه می‌گفت من دوست دارم شما همان‌طوری با دیگران رفتار کنید که دوست دارید با خودتان رفتار شود بنابراین من هم با شما همان‌طوری رفتار

## نیک و نیکو بازمی‌گردند

بچه‌هایی که کودکی‌شان در دهه ۶۰ و ۷۰ گذشت با کارتون «نیک و نیکو» خاطره‌های زیادی دارند. اگر دوست دارید فرزندتان هم با این دو زنبور با مزه و دوست داشتنی آشنا شود لازم نیست دنبال کارتون‌های قدیمی بگردید. فیلم انیمیشن «نیک و نیکو» مدتی است تولید می‌شود و جدیدترین آن یعنی «نیک و نیکو ۲» را در پلتفرم فیلم‌و می‌توانید ببینید، البته حالا که سال‌ها از کودکی‌مان گذشته حتماً می‌دانید که نام اصلی کارتون «مایا» بود و حالا در «نیک و نیکو ۲» هم مایا باعث ناراحتی پادشاه زنبورها می‌شود و برای اینکه بتواند مبارزه کند تعدادی از زنبورها را دور هم جمع می‌کند تا متحد شوند و در یک مسابقه نفسگیر شرکت کنند، البته در این تیم «نیک» بامزه هم حضور دارد. کارتون «نیک و نیکو» را که ما در کودکی می‌دیدیم ژاپنی‌ها ساخته بودند اما فیلم «نیک و نیکو ۲» محصول کشور آلمان است. در واقع آن انیمیشن ژاپنی هم براساس رمانی به نام «مایا» نوشته والدمار بوئرلز آلمانی ساخته شده بود. پدر و مادرهایی که اجازه داده‌اند فرزندانشان این انیمیشن را ببینند از آن بسیار تعریف می‌کنند و می‌توانید نظرات‌شان را بخوانید و با خیال راحت اجازه دهید فرزند شما هم به تماشای آن بنشیند. «نیک و نیکو ۲» برای کودکان تا ۶ سال مناسب است و دوبله شده و حتی ممکن است خودتان هم وسوسه شوید و به یاد کودکی بخواهید دوباره «نیک و نیکو» را ببینید.

- نیک و نیکو ۲
- کارگردان: نول کری، سرجیو دلفینو و الکس استادین
- محصول: ۲۰۱۸
- قابل تماشا در: فیلمو



می‌کنم که دوست دارم با من رفتار کنید. اخلاق را با رفتارش به ما یاد داد. به خاطر ندارم در بدترین حالت هم دشنامی از او شنیده باشم. می‌گفت با این کار فقط الفاظ بدی که در وجودداری را بیرون می‌ریزی، اگر حس می‌کنی در حقات اجحاف شده یا مورد تبعیض قرار گرفته‌ای خودت کاری نکن.

■ زبانی که اشعار حافظ بر آن نشسته را خراب نکن

باورش این بود که فارسی، زبانی است که اشعار حافظ و سعدی و فردوسی به آن سروده شده و آنقدر حرمت دارد که آن را کثیف نکنیم. می‌گفت این همه الفاظ زیبا در این زبان هست که می‌توانید تمام مسائل عاطفی و حسی‌تان را به بهترین نحو با آن بیان کنید پس بی‌خود از کلماتی که در مدرسه از دوستانتان یاد می‌گیرید استفاده نکنید. کلاس پنجم بودم، کلمه بی‌ربطی به زبان آوردم که حتی معنایش را نمی‌دانستم. خنده‌اش گرفته بود که بچه‌ای در این سن و سال آن را کجا شنیده. خنده‌اش را کنترل کرد و گفت این کلمه را نمی‌توانی بیان کنی حیف است که از زبان تو چنین کلمه‌ای بیرون بیاید، زبانی که اشعار حافظ بر آن نشسته را خراب نکن. چندی پیش کتابخانه‌اش را که تمیز می‌کردیم چندین جلد حافظ پیدا کردیم که در آنها حاشیه‌نویسی هم کرده بود مثلاً این شعر در فلان نسخه طور دیگری است و کدام به نسخه اصلی نزدیکتر است. دلباخته ادبیات ایران بود.

■ این گفته او در گوشم خیلی صدا کرد

تعریف دیگری از هنرمند داشت. هنر را یک کار تکنیکال صرف نمی‌دانست. این‌که به لحاظ تکنیکی خوب پیانو بنوازی اما با آن مفهومی از زندگی انتقال ندهی، از نگاه او هنر نبود. «موسیقی فقط زیبایی نیست،

## فرشته مرگ گاهی هم در می‌زند

مریم شهپازی  
خبرنگار

بعید است حداقل یک‌مرتبه‌ای به مرگ فکر نکرده باشیم. شاید برای آن تصویرسازی هم کرده‌ایم! پنجره‌ای بازمانده، باد ملایمی می‌وزد و آخرین برگ درخت می‌افتد! نه، همیشه هم این‌طور نیست. گاهی لازم نیست منتظرش بمانیم، خودش می‌آید. شاید بنشیند مقابلمان، بنا به این‌که اهل قهوه باشد یا چای! فنجان بنوشیم و بعد هم تمام! به‌همین سادگی. البته گاهی هم ممکن است با فرشته تازه‌کاری طرف باشیم و بتوانیم زمان بیشتری برای کارهای بازمانده بخریم، با حداقل کمی چانه بزنیم، شاید هم زورمان برسد و گلاویز شویم. شبیه ماجرابی که «وودی آلن» آمریکایی در آن داستان کوتاه یا بهتر است بگوییم نمایشنامه مشهورش نوشته: «مرگ در می‌زند». می‌پبند؟ گاهی ممکن است با فرشته مبادی آدابی طرف باشیم، در یزند و با کسب اجازه از داس مخوف را به سمت مان بگیرد. این نمایشنامه طنز را آلن با نگاهی متفاوت به مرگ نوشته که هم در قالب کتابی چاپی با مجموعه‌ای از چند نمایشنامه، داستان کوتاه و مقاله در دسترس است و هم در قالب کتاب صوتی. پیشنهاد امروز این است که ابتدا به سراغ نسخه صوتی‌اش بروید که هم در اپلیکیشن طاقچه و هم فیدیبو عرضه شده، در نسخه صوتی تنها همین یک نمایشنامه را خواهید شنید. اما بگذارید نکات بیشتری هم درباره‌اش بگویم: «مرگ در می‌زند» را منتقدان بازآفرینی طنز «مهر هفتم» از مشهورترین فیلم‌های «اینکمار برگمن» می‌دانند. فیلم درباره تلاشی است برای دور زدن مرگ! به گمانم دیگر متوجه شده‌اید که داستان این نمایشنامه آلن چیست. در این نمایشنامه فرشته مرگ به سراغ «بات آکرمن» مرد میانسانی می‌رود، هرچند که نات هم با ذکاوت تمام تلاش می‌کند با ترفندهایی بر او پیروز شود و زندگی‌اش را پس بگیرد. حالا این‌که موفق می‌شود یا نه بماند برای وقتی‌که پای نسخه صوتی‌اش نشستید. این نمایشنامه‌ها به ترجمه نگار شاطریان و با گویندگی «آرمان سلطان زاده» و «محسن زرآبادی پور» منتشر شده که تنها یک خوانش ساده نیست، شاید شما هم با من هم‌عقیده باشید، وقتی بحث روایت داستانی از وودی آلن، هنرمند مشهور هالیوودی باشد توقعمان این است که اجرای آن کمی به نمایشنامه‌های رایج‌پنکی از معدود تئاترهای ایران است. دانست که در ژانر ترسناک طراحی و کارگردانی شده و اتفاقاً از جمله آن معدودهایی است که همه چیزش درست سرجای خود قرار گرفته و بی‌هیچ حرکت و صحنه اضافه، مخاطب را با ترسی که در لایه‌های زیرین کارپنهان است همراه می‌کند. اگر دلتان می‌خواهد کمی پترسید بی‌آنکه چند زامبی و... کارهای چندش انگیزی بکنند حتماً اتاق ورونیکا را ببینید که ترس در آن همان‌طور که گفته شده، دلهره‌ای مداوم است که روی عصب‌های آدم می‌نشیند و آن را در نهایت به ترسی روانی تبدیل می‌کند و نه فیزیکی. ثروتی حتی چیدمان اتاق را مطابق مد سال‌های ۱۹۳۰ طراحی کرده و وسایل ورونیکا هم از همان سال دست نخورده در اتاق باقی مانده‌اند. صاحبخانه توضیح می‌دهد که خانه متعلق به خانواده برابیسانت است. پدر و مادر مرده‌اند و ورونیکا هم چند سال پیش در اوج جوانی بر اثر سل جانش را از دست داده و پسر خانواده کنراد در جنگ کشته شده و حالا تنها عضو خانواده، سیسی است که وضعیت خوبی ندارد. سیسی در حال مرگ است و به تازگی ذهنش به سال‌های دانش‌آموزی خودش و زمانی که

مروری بر یکی از تئاترهای رضا ثروتی که سال ۱۳۹۴ روی صحنه رفت

## «اتاق ورونیکا» جایی است روی عصب



دنیار چهارم

محسن بوالحسنی  
خبرنگار

سال ۱۳۹۴ رضا ثروتی تئاتری را با بازی ایمان افشاریان، مرتضی اسماعیلی‌کلشی، ستاره پسیانی و بهناز جعفری روی صحنه برد به‌نام «اتاق ورونیکا» که داستان دختر نوجوان زن و مرد پیری است که سال‌ها پیش از دنیا رفته و حالا قرار است اتاق ورونیکا به یک زن وشوهر جوان واگذار شود. این کار رضا ثروتی را باید پکی از معدود تئاترهای ایرانی دانست که در ژانر ترسناک طراحی و کارگردانی شده و اتفاقاً از جمله آن معدودهایی است که همه چیزش درست سرجای خود قرار گرفته و بی‌هیچ حرکت و صحنه اضافه، مخاطب را با ترسی که در لایه‌های زیرین کارپنهان است همراه می‌کند. اگر دلتان می‌خواهد کمی پترسید بی‌آنکه چند زامبی و... کارهای چندش انگیزی بکنند حتماً اتاق ورونیکا را ببینید که ترس در آن همان‌طور که گفته شده، دلهره‌ای مداوم است که روی عصب‌های آدم می‌نشیند و آن را در نهایت به ترسی روانی تبدیل می‌کند و نه فیزیکی. ثروتی حتی چیدمان اتاق را مطابق مد سال‌های ۱۹۳۰ طراحی کرده و وسایل ورونیکا هم از همان سال دست نخورده در اتاق باقی مانده‌اند. صاحبخانه توضیح می‌دهد که خانه متعلق به خانواده برابیسانت است. پدر و مادر مرده‌اند و ورونیکا هم چند سال پیش در اوج جوانی بر اثر سل جانش را از دست داده و پسر خانواده کنراد در جنگ کشته شده و حالا تنها عضو خانواده، سیسی است که وضعیت خوبی ندارد. سیسی در حال مرگ است و به تازگی ذهنش به سال‌های دانش‌آموزی خودش و زمانی که

مروری بر زندگی و آثار بابک بیات به بهانه سالروز درگذشت این آهنگساز

## ملودی‌های آقای خاص

ندا سیجانی  
خبرنگار

بابک بیات را «مرد نت‌ها» می‌نامیدند، هنرمندی که نت‌های موسیقی‌اش برخاسته از جان او بود و هر خط آن بیانگر عشق او به هنر؛ دلدادگی‌هایی که در نوجوانی دراو پا گرفت و درگوشش زمزمه شد؛ و در آن روزگار با شاعر عاشقانه‌ها «ایرج جنتی عطایی» در یک کوچه بن‌بست به راه‌های بزرگی رسیدند.

زندگی او از همان کوچه آغاز شد، سرآسیاب دولاب انتهای کوچه جعفری. «همان کوچه‌های بن‌بست که ایرج شعرش را گفت و من آهنگش را ساختم...» و او و ایرج از همان روزهای کودکی با مشکلات بسیار در کنار هم بودند، کارکردند و قد کشیدند و آثار بسیاری به ثبت و ضبط رساندند حتی سالها بعد از آن هرگاه از گذشته خود صحبتی به میان می‌آورد به هر لحظه آن می‌بالید و پیشرفت خود را مدیون همان گذشته‌ها می‌دانست. و صد حیف که نزدیک به ۲۰ سال است از حضور و وجود بابک بیات آهنگساز، نوازنده، تنظیم‌کننده نامدار و نام‌آشنای موسیقی ایران بی‌بهره هستیم و این آهنگساز بزرگ دیگر در بین ما نیست.

بابک بیات ۲۳ خرداد ۱۳۲۵ در تهران متولد شد و ۵ آذر ۱۳۸۵ بر اثر بیماری نارسایی کبد در تهران درگذشت. این هنرمند در طول زندگی



هنری خود که شاید بیش از نیم قرن باشد، توانست آثار بسیار ارزنده و مانایی تولید کند که شنیدن هراتران بیانگر امضای این آهنگساز است، چرا که نگاه متفاوتی به موسیقی داشت.

او در سال‌های زندگی‌اش نزدیک به ۸۰ موسیقی فیلم نوشت و انبوهی ترانه ساخت و با وجود موقعیت‌های بسیار، هیچگاه جدای وطن نکرد، چرا که به گفته خودش «انگیزه خاک وطن و مردمی که در وطن ما زندگی می‌کنند نمی‌گذارد آنجا بمانم» و این گفته یار دربیش احمد شاملو را به گوش جان سپرده بود «وطن من در قلب مردمی است که مرا دوست دارند.» بابک بیات پیش از انقلاب هم موسیقی فیلم و آهنگ و ترانه بسیار و ماندگاری ساخته است اما «مرگ یزد گرد» ساخته بهرام بیضایی اولین اثر او بعد از انقلاب بود و همچنین آثار دیگری همچون «سلطان و شبان»، «مسافران»، «جهان پهلوان تختی»، «شاید وقتی دیگر»، «پهلوانان نمی‌میرند»، «باشو غریبه کوچک»، «فرمز»، «شیدا»، «سرزمین خورشید»، «مرسدس»، «سام و نرگس» و... که هر یک به یادگار ماندند. او موسیقی سریال «ولایت عشق» حال و هوای دیگری داشت. اثری که به عشق امام رضا(ع) ساخت و دستمزدش را هم از آن امام مهربانی گرفت: «روزی آقای محمد اصفهانی به من تلفن زد و گفت: چه کار می‌کنی؟ گفتم: هیچ، گفت: من با وجودی که دیشب از کیش آمدم و اصلاً به تو فکر نمی‌کردم دیشب خوابت را دیدم. دیدم من توی یک کویر گم شده‌ام و شما داری دنبال یک آهوی خوش خط و خال می‌دوی. من از تو آدرس سؤال کردم، وایستادی و گفتی تو هم بیاد من گفتم: من راه را گم می‌کنم. تو گفتی: نه، این آهو ما را می‌برد همان جایی که می‌خواهیم. می‌گفت: من نیامدم و تو تنها رفتی... اصفهانی گفت: تعبیر این خواب چیه! گفتم: با سریال ولایت عشق، ضامن آهو را قرارداد بستم و به این دلیل شما این خواب را برای من دیده‌ای.» ۲۴۰ دقیقه موسیقی که زنده یاد بابک بیات با عشق از آن سخن می‌گفت و هنوز هم آن عکس قاب گرفته‌اش از امام‌رضاع(ع) روی پیانوی اوست. مانی رهنما، حمید حامی، نیما مسیحا و محمد اصفهانی از شاگردان مکتب او هستند.

ورونیکا زنده بود بازگشته است... شما در دقایق بسیاری از تئاتر صدای جبرجیر بارگتی قدیمی که هر قدم روی آن، حس سال‌های دور و حضور افراد مرده‌ای را تداعی می‌کند که حالا انگار هستند و نیستند. طرح کاغذ دیواری و باقی وسایل اتاق هم هراس انگیز و دلهره‌آور است و مخاطب را فرصت پلک زدن نمی‌دهد و شاید صدایی از قلبی که تند می‌زند هم شنیده شود اگرچه این اجرا را می‌شد دوباره در سالن تماشا هم کرد. ثروتی چه در بازگردانی و چه در کارگردانی تمام توان خودش را روی «اتاق ورونیکا» گذاشته و در طراحی لباس هم تمام دقتش را به خرج داده تا جایی که لباس و کفش‌های بازیگران بی شباهت به مد آن دوره نیست. در کنار کارگردانی عالی، بازیگران تمام‌توانشان را گذاشته‌اند تا نقش‌ها را روی صحنه نه تنها بازی، بلکه زندگی کنند. همه اینها در کنار هم باعث شده اتاق ورونیکا برای دو ساعت شمار آنقدر درگیر داستان معمای و پیچیده‌اش کند تا زمان و مکان فراموش‌تان شود و هر لحظه دنبال این باشید که معمای پیش آمده را حل کنید. اگر قبلاً موفق به دیدن «اتاق ورونیکا» نشده‌اید حالا می‌توانید از طریق پلتفرم‌هایی مثل فیلمو، آن را تماشا کنید.

- اتاق ورونیکا
- نویسنده: ایرالوین
- مترجم: میترا آشکاری
- طراح و کارگردان: رضا ثروتی
- بازیگران: ایمان افشاریان، مرتضی کاشی، ستاره پسیانی و بهناز جعفری